

۱۳۹۹ آذرماه

## چشم انداز صلح در افغانستان



میز مطالعات  
افغانستان



دکتر جعفر حق پناه - دانشگاه تهران



دکتر غلام یحیی طاهری - دانشگاه غر جستان کابل



امین صادقی بکیانی - مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس

نشست چشم انداز صلح در افغانستان توسط مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه ای و میز افغانستان انجمن علوم سیاسی ایران در تاریخ ۱۸ آذرماه با سخنرانی دکتر جعفر حق پناه استادیار مدعو مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران و دکتر غلام یحیی طاهری ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه غرjestان کابل برگزار گردید. دبیر نشست امین صادقی بکیانی از مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس بودند.

ابتدای نشست دکتر جعفر حق پناه ضمن اشاره به تجربه کردها در عراق عنوان داشتند: طالبان با حفظ و ادامه برداشت سنتی که نسبت به جامعه و سیاست دارد همچنان به دنبال ایجاد امارت اسلامی است که البته دولت مرکزی افغانستان این ایده را نمی پذیرد و تحقق این امر یعنی نفی حاکمیت کابل و همه تلاش هایی که از سال ۲۰۰۳ میلادی تاکنون برای برپایی یک دولت ملی صورت گرفته است.

دکتر حق پناه ادامه حیات طالبان را منوط به حمایت های خارج از افغانستان دانستند و چنین تشریح کردند: نیروهای تجدید نظر طلب نظیر طالبان به حمایت و پشتیبانی خارجی نیاز دارند هر چند که طالبان پشتوانه نیرومند داخلی هم دارد ولی بدون حمایت خارجی قادر به کنشگری فعال نمی باشد. همانطور که جنبش کردهای عراق در دهه ۱۹۷۰ میلادی وقتی حمایت ایران عصر پهلوی از کردها برداشته شد نهایتاً به سرکوب آنها منجر شد و حتی جنبش کردی ترکیه هم چنین سرنوشتی پیدا کرد.

ایشان در ادامه با این توضیح که از طرفی طالبان در ولایات پشتون نشین و جنوب پایگاه خوبی به عنوان نماینده ناسیونالیسم سنت گرای دینی دارد، با طرح سوالی مبنی بر اینکه آیا از حمایت دولت هایی که سابقاً از طالبان در زمانی که قدرت و دولت را در افغانستان در اختیار داشت کاسته شده یا نه عنوان کردند: نقش بی بدیل پاکستان، امارات و عربستان در به رسمیت شناختن طالبان کم نشده است، مخصوصاً پاکستان که افغانستان را عمق استراتژیک و آوردگاه موزانه سازی در برابر هندوستان قرار داده است. بعید است که پاکستان و دولت های عربی استفاده ابزاری از طالبان را کنار گذاشته باشند.

مدیر میز افغانستان انجمن علوم سیاسی ایران به نقش امریکا در مذاکرات صلح اشاره داشتند که: جنگ افغانستان برای امریکا طولانی ترین جنگ این کشور می باشد و علی رغم کارکرد آن در فرآیند صلح، باعث بی ثبات سازی شده است. هرچند نقش نیروهای ائتلاف برای دولت سازی و نظم را نمی توان نادیده گرفت. امریکا در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای به جای آنکه حامی «نظم امریکا پرورده» و دولت مرکزی ای باشد که خودش کمک داد تا مستقر شود، وارد تعامل و گفت و گو با طالبانی شده که به خاطر آن جنگ را شروع کرده بود و الان مشخص نیست در این مذاکرات نقش دولت مرکزی افغانستان چیست؟ و حتی نقض معاهده امنیتی کابل - واشنگتن هست. این صلح بیشتر بین طالبان و امریکا بوده و اگر این روند ادامه داشته باشد به معنای نادیده گرفتن جامعه و دولت افغانستان می باشد.

عضو هیأت امنای انجمن ایرانی مطالعات منطقه ای، نادیده گرفتن نقش قدرت های منطقه ای ذینفع در این مذاکرات را عاملی برای تداوم بحران دانست و با مثال عراق بعد از صدام اظهار داشتند: علت اینکه عراق پس از صدام در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ نهایتاً چالش کردها با دولت مرکزی در بغداد به سرانجام مشخصی رسید، به نفوذ و همراهی ایران در روند صلح سازی، دولت سازی و ایجاد نظام فدرال بر می گشت که تا به امروز کمابیش دوام آورده است. در مورد افغانستان این عامل یعنی ایران نادیده گرفته می شود و علی رغم نقش اولیه ایران در سرکوب طالبان، در ادامه روند ایران حذف شد. طبیعتاً با این شرایط امر صلح به گونه ای مستحکم پیش نمی رود و در میان مدت این وضعیت ادامه دار خواهد بود و نمی توانیم وضعیت روشنی در پیشبرد صلح ترسیم کنیم. وقتی دستور مذاکرات نه ماه طول کشید بقیه موارد هم به همین منوال پیش خواهد رفت مگر رخدادهایی به وقوع بپیوندد که شگفتی سازی کند و عدم قطعیت پیش آید نظیر همین تغییر کابینه در آمریکا.

یکی از متغیرهایی که در این نشست توسط دکتر حق پناه به عنوان مولفه ای مهم در رابطه با چشم انداز صلح ابراز داشتند وجود احزاب، رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی در افغانستان می باشد که بازگشت افغانستان به دهه ۷۰ میلادی را امری بعید می نماید. ایشان بیان کردند: درست است که جامعه مدنی در افغانستان قدرتمند نیست ولی تحت تأثیر جامعه جهانی است و مسائلی نظیر زنان به شیوه گذشته را بر نمی تابد حتی اگر این انحصارگری و سرکوب بخواهد به نام دیگری اعمال شود.

متغیر دیگر امر اقتصادی بود که از نظر دکتر حق پناه جنبه مثبت و ایجابی می تواند در مذاکرات صلح افغانستان داشته باشد و به پیشبرد صلح کمک کند به این علت که دینامیزم اقتصادی پیرامون افغانستان از جمله کریدور بین الملل شمال و جنوب، راه ابریشم جدید، انتقال گاز از ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق افغانستان و ... وجود دارد که افغانستان در کانون آن قرار دارد. ایشان البته اظهار داشتند که اقتصاد در وهله اول در دستور کار مذاکرات صلح نیست و در انتها بعد از مشخص شدن محورهای سیاسی و امنیتی موضوعیت می یابد.

همچنین دکتر حق پناه در رابطه با سیاست دولت جدید آمریکا در قبال افغانستان اظهار داشتند: تا شروع دولت بایدن و حتی پس از آن باید منتظر ماند تا تیم امنیتی و نظامی جدید در آمریکا شروع به کار کند و علاوه بر آن بستگی به آن دارد که چه هماهنگی ای و چگونه بین اروپا و آمریکا در قالب ناتو برای خروج از افغانستان صورت گیرد؟

دکتر حق پناه در پاسخ به سوال یکی از شرکت کنندگان در این نشست، مبنی بر اینکه آیا ایران از بی ثباتی و عدم امنیت در افغانستان سود خواهد برد؟ گفتند: اینطور نیست که ایران به خاطر حضور آمریکا در افغانستان، تمایل داشته باشد تا فضای داخلی افغانستان ناامن باشد بلکه اگر افغانستان ثبات داشته باشد ایران بیشتر از حوزه تمدنی نوروز یا خراسان بزرگی که گفته می شود بهره مند خواهد شد نظیر راه آهن مشهد- هرات که یک نمونه عینی آن می باشد.

دکتر حق پناه در خاتمه، روند صلح را فرآیندی پیچیده که نمی توان ان را به یک گروه شورشی پشتون تقلیل داد دانست و خاطر نشان کرد که باید به هر یک از متغیرها وزن داد و اندرکنش نهایی را سنجید. ولی آنچه محسوس می باشد این است که نه طالبان می تواند تسلط نظامی پیدا کند نه روند مذاکره فعلا به قطعیت می رسد.

در ادامه نشست دکتر غلام یحیی طاهری رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی غرjestان کابل با ریشه یابی منازعات افغانستان و چشم انداز صلح اظهار داشتند: جنگ و منازعه افغانستان از سال ۱۳۵۷ با کودتای احزاب چپ در افغانستان آغاز گردید. با توجه به به جریان جهانی جنگ سرد میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا و متحدین منطقه ی آن به منظور جلوگیری از نفوذ بیشتر کمونیزم در منطقه با سامان دهی گروههای جهادی در کشور پاکستان به حمایت همه جانبه از جهاد مردم افغانستان علیه اشغالگری شوروی و سپس بعد از خروج نظامیان شوروی به ادامه جنگ علیه دولت دست نشانده آن پرداختند.

دکتر طاهری با اشاره به نقش پاکستان در مسائل افغانستان بیان کردند: کشور تازه تاسیس پاکستان به دلیل ضعف اقتصادی بیشترین استفاده را در جهت تجهیز و نوسازی ارتش خود از قبل کمک های کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی حاشیه خلیج بردند، راهبرد سازمان جاسوسی ارتش پاکستان و نظامیان آن کشور که در رأس حاکمیت پاکستان قرار داشتند، تداوم جنگ و ویرانی و بی ثباتی نظام حاکم در افغانستان به منظور ایجاد حاکمیت جدید و ضعیف تحت نفوذ آن کشور قرار داشت. به همین منظور با وجود اینکه حکومت دست نشانده شوروی در افغانستان اعلام مصالحه و آشتی ملی نموده نمود گروه های جهادی که تحت نفوذ پاکستان قرار داشت با رد مصالحه اعلام داشتند که از طریق جنگ و جهاد، قدرت به دست خواهند آورد و سر انجام بعد مدتی با سقوط حاکمیت مجاهدین وارد پایتخت افغانستان شدند و حکومت اسلامی را اعلام داشتند، حکومت نوپای اسلامی که از گروه های قومی و مذهبی مختلف تشکیل شده بود از یک طرف با خواست های هویتی و قومی مواجه بودند و از طرفی مطابق خواست کشور پاکستان شکل نگرفته بود که در نتیجه نظامیان پاکستان بانفوذ گسترده ی که بر گروه های جهادی داشتند آتش جنگ های داخلی را شعله ور ساخته، اردوی افغانستان و تجهیزات جنگی آن شامل جت ها هلیکوپترها، تانک ها و موشک های میان برد اسکات که از دوره اشغال گری شوروی باقی مانده بود را از بین بردند. ایشان در این خصوص همچنین اضافه کردند: با تداوم جنگ، پاکستان طلاب دینی را که در مدارس آن کشور تربیت شده بودند تحت پوشش تحریک اسلامی طالبان تجهیز و وارد افغانستان نمودند. مردم خسته از جنگ افغانستان در ابتدا از شکل گیری آن خشنود بودند تا اینکه این گروه به نیابت از پاکستان بخش اعظم از خاک افغانستان را تحت تصرف خود قرارداده و به شکل رادیکالیسم قرائت خود را از اسلام بیان داشته و اقلیت های قومی و مذهبی را تحت فشار قرار دادند، پاکستان از یک طرف با ادعای ارضی از طرف افغانستان مواجه بود و از طرف دیگر در حال منازعه با کشور هندوستان دوست دیرینه سیاسی و اقتصادی افغانستان قرار داشت، با حاکمیت طالبان احساس امنیت نموده با حمایت کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات داعیه ایجاد کنفدراسیون اسلامی را مطرح نمودند.

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی غرjestان کابل، با بیان اینکه حاکمیت طالبان به شکل گسترده از طریق کشت و قاچاق مواد مخدر و ارتباط با القاعده بهره می برد که با حملات یازدهم سپتامبر بر برج های مرکز تجارت

جهانی در نیویورک مورد خشم آمریکا قرار گرفت. در آغاز از طریق حملات موشکی و سپس از طریق مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد ایالت متحده و متحدین آن در سازمان ناتو با حملات نظامی وجود القاعده و طالبان را از افغانستان پاک سازی نمودند، کشور پاکستان از این فرصت نیز استفاده نموده و با همکاری لجستیکی و در اختیار قرار دادن پایگاههای نظامی و مسیر تدارکاتی از کمک های مالی ایالات متحده استفاده نمود سر انجام با شکل گیری حکومت جدید در افغانستان پایه و تدوین قانون اساسی نظام نوپای سیاسی افغانستان با الگوی دموکراسی غربی به وجود آمد. این نظام از یک طرف با مشارکت اقلیت های قومی محروم از صحنه قدرت شکل گرفت از طرف دیگر الگوی جدید مثل آزادی های مذهبی، آزادی های مدنی و سیاسی در آن نهادینه گردید که خود زمینه اختلافات و شکاف های قومی را فراهم ساخت زیرا قومیت پشتون که سالها قدرت را به صورت مطلقه در اختیار داشتند احساس شکست سیاسی داشتند از طرف دیگر مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت افغانستان با هندوستان زمینه حساسیت بیشتر پاکستان و چین را فراهم ساخت سر انجام نظامیان پاکستان با تجهیز دوباره گروه های افراطی تحت نام طالبان علیه دولت افغانستان و نظامیان خارجی دست جنگ، شورش و کشتار زدند.

دکتر طاهری در رابطه با نقش آمریکا در افغانستان گفتند: ایالت متحده ابتدا از طریق ازدیاد قوای نظامی کوشید شورش ها را سرکوب کند که با توجه به جغرافیای افغانستان ناکام گردید سپس با خارج ساختن بخش زیادی از نظامیان خود از طریق جایگزین نمودن حملات هوایی و شبانه توسط هواپیماهای بدون سرنشین فشار را بر طالبان افزود که سر انجام آنان را وادار به مذاکره و گفتگو های مستقیم با نمایندگان وزرات خارجه آمریکا و توافق صلح نمود. آمریکا در سیاست های حمایتی خود در منطقه همواره پاکستان را متحد اصلی خود دانسته و بر افغانستان ترجیح داده است از همین رو تجهیزات سنگین نظامی خود را پس از ترک افغانستان در اختیار پاکستان قرار داده و از تجهیز ارتش افغانستان با سلاحهای سنگین و پیرفته خود داری نموده است.

ایشان در انتهای سخنان خودشان نتیجه گیری ای از چشم انداز صلح در افغانستان در ده گزاره ارائه دادند:

۱. صلح افغانستان راه دشوار و طولانی را پیش رو خواهد داشت.
۲. صلح زمانی مسیر خواهد بود که دولت افغانستان با دیپلماسی قوی اعتماد کشورهای همسایه خود را به دست آورد.
۳. در حال حاضر یک واگرایی میان منافع همسایگان افغانستان و تلاش های آنان برای دست یابی به صلح وجود دارد.
۴. در حال حاضر منافی که کشورهای بین المللی و عضو ناتو در افغانستان دنبال می کنند با کشورهای منطقه و همسایه افغانستان در بحث دسترسی به متضاد و ناهمگون است.
۵. جمهوری اسلامی ایران یک کشور بانفوذ و دارای منافع خاص در افغانستان است که در حال حاضر نقشی رسمی در مذاکرات صلح به آن داده نشده و از طرف آمیکایی ها نادیده گرفته شده است.
۶. دولت جدید آمریکا و سیاست های بین المللی آن در تسریع روند صلح نقش اساسی خواهد داشت.
۷. ممکن است صلح با بخشی از گروه طالبان صورت بگیرد اما گروه های افراطی دیگری تحت نام داعش در حال تجهیز از طرف کشورهای خاص به منظور ایجاد بی ثباتی در مرزهای شمالی افغانستان با کشورهای آسیای میانه است.

۸. صلح واقعی زمانی ممکن خواهد بود که کشور پاکستان از تجهیز و ساماندهی گروه‌های افراطی دست بردارد.
۹. آمریکا رفتار دوگانه، در قبال پیمان امنیتی که کشور افغانستان دارد و هم چنین پیمان مصالحه که با طالبان، عملی می‌سازد گاهی به صورت مقطعی با استفاده از طالبان دولت افغانستان را تحت فشار قرار می‌دهد تا به خواسته‌های آن تن دهد و گاهی برعکس با حملات مستقیم بر گروه طالبان آنان را تحت فشار قرار می‌دهد، این رفتار نشانه عدم صداقت این کشور است.
۱۰. کشت و قاچاق مواد مخدر بخشی دیگر از عوامل ادامه خشونت در افغانستان است و تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد صلح پایدار محقق نخواهد شد.